

کهن‌الگوی اشخاص در ساقی‌نامه‌ی ظهوری و سعادت‌نامه‌ی استرآبادی بر اساس نظریه‌ی یونگ^۱

زینب نوروزعلی^۲

احمدخیالی خطیبی^۳

علی اصغر حلبی^۴

چکیده

نقد کهن‌الگویی از رویکردهای جدید نقد ادبی است که بر اساس آرای روان‌شناس معروف سوئیسی کارل گوستاو یونگ بنا شده است. در این نوع نقد به مطالعه و بررسی کهن‌الگوهای اثر پرداخته و نشان می‌دهند که چگونه ذهن شاعر و نویسنده، این آرکی‌تایپ‌ها را که محصول تجربه‌های مکرر بشر است و در ناخودآگاه جمعی او به ودیعه گذاشته شده جذب و آنها را به شیوه‌ای سمبلیک و تمثیلی به نمایش گذاشته است. این مقاله تلاش می‌کند با محور قرار دادن انگاره‌ی شخصیت به جست‌وجوی بعضی از انواع آن در سعادت‌نامه و ساقی‌نامه پرداخته و نشان دهد که چگونه شاعران توانایی چون استرآبادی و ظهوری توانسته‌اند در بیان و اندیشه‌ی والای خود از این کهن‌الگو بهره گرفته‌اند و از این منظر به تفسیر ابیات آنها پرداخته و به این سوال پاسخ دهد که آیا شناختی نسبت به انگاره‌ی اشخاص داشته‌اند یا سهوا در آثارشان استفاده شده و بسامد هر یک از انگاره‌ها در ساقی‌نامه و سعادت‌نامه چگونه است. به نظر می‌رسد با وجود عدم شناخت دانش کهن‌الگویی به معنای نوین، ظهوری و استرآبادی شناخت عمیق و دقیقی از انگاره‌های کهن‌الگویی داشته و آنها را با استفاده از عنصر خیال در آثار خود به‌طور ویژه‌ای به کار برده‌اند. همچنین در این دو اثر انگاره‌های اشخاص مذهبی - ملی بر سایر انواع برتری داشته و انگاره‌ی جوینده فقط مختص شاعر است که جست‌جو کرده و در نهایت به عرفان رسیده است. نتیجه پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای به شیوه‌ی تحلیلی - توصیفی انجام شده است.

کلید واژه‌ها: ادبیات تطبیقی، خودآگاه و ناخودآگاه، انگاره‌های کهن‌الگویی، اشخاص کهن‌الگویی

۱- مستخرج از رساله‌ی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

zeynab.noroozali65@yahoo.com

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

ahmadkhatiba840@yahoo.com

۴- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Ali.Halabi@iauctb.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱/۲۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۳/۷

مقدمه

خاستگاه مهم نظریه کهن‌الگویی، به اقدام گروهی از محققان انسان‌شناسی دانشگاه کمبریج و کتاب شاخه طلایی جیمز فریزر (۱۹۸۰-۱۹۱۵) انسان‌شناس اسکاتلندی می‌رسد. این محققان، به تبیین الگوهای مکرر و یکسان در بین اساطیر، آیین‌های کهن و آداب و رسوم ملل مختلف پرداخته و بر این باور هستند که نیازهای اساسی انسان‌ها در همه مکان‌ها و زمان‌ها یکسان است. خاستگاه مهم دیگر نظریه کهن‌الگو، کارل گوستاو یونگ روان‌شناس برجسته سوئیسی است. وی اصطلاح کهن‌الگو را به آنچه نخستین تصاویر نامیده می‌شود؛ اطلاق کرد. همچنین شیوه نقد کهن‌الگویی در شعر، به‌طور رسمی از سال (۱۹۳۴) و با انتشار کتاب «نمونه‌های کهن‌الگو امی ماد بودکین» در شعر، اثر اسطوره‌شناس و منتقد انگلیسی (۱۹۶۷-۱۸۷۵) وارد اصطلاحات ادبی شد. بنابراین تئوری تصاویر مکرر و جهانی یکسان که حاصل تجربیات پدران پیشین است در ژرفنای ناخودآگاه جمعی انسان‌ها به ودیعه نهاده شده است.

نقد کهن‌الگویی: «کهن‌الگوها را می‌توان دستور زبان نامید بدین معنی که ذهن آدمی در چارچوب آنها جهان پیرامونش را درک می‌کند.» (رسول‌پور: ۱۳۹۹، ۴۲۳). از منظر یونگ که نقد کهن‌الگویی عمدتاً با او آغاز می‌شود؛ روان در هنگام تولد، لوحی سپید و نانوشته نیست. در تحلیل روان می‌توان عناصر نمادین اسطوره‌ای را یافت. نمادهایی که در ناخودآگاه فرد حضور دارند و گویی به او به ارث رسیده‌اند. در واقع اگر در نقد روان‌شناسانه سخن از ناخودآگاه نویسنده و شخصیت‌هایش به میان آورده می‌شود، در نقد کهن‌الگویی، موضوع مهم ناخودآگاه کل نژاد بشر است.

اشخاص کهن‌الگویی: کهن‌الگوها را می‌توان در سه دسته طبقه‌بندی کرد: «اشخاص - موقعیت‌ها - نمادها.» (سخنور، ۱۳۷۹: ۳۱). «اشخاص ساخته شده‌ای (مخلوقی) را که در داستان و نمایش‌نامه و... ظاهر می‌شوند، شخصیت می‌نامند. مخلوق ذهن نویسنده ممکن است همیشه انسان نباشد و حیوان، شیء و چیز دیگری را نیز شامل می‌شود.» (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۱۷۵). شخصیت در اثر روایتی یا نمایشی، «فردی است که کیفیت روانی و اخلاقی او، در عمل او و آنچه می‌گوید و می‌کند؛ وجود داشته باشد.» (همان: ۱۷۶).

بیان مسأله

بیان ادبی محصول ناخودآگاه تجربه جمعی نوع بشر است. به همین دلیل با نشان دادن پیشینه اساطیری هر یک از مفاهیم انکاره‌ای می‌توان بهره‌گیری شاعر از ساختار داستانی یا اجتماعی آنها را روشن و با زاویه دید گسترده‌تری منظور و مقصود شاعر را دریافت. بررسی و مطالعه این عناصر در شعر شاعران به‌ویژه شاعران ناشناخته کمک شایانی در درک شعر و اندیشه آنها خواهد بود. سعادت‌نامه و ساقی‌نامه از جمله آثاری هستند که تحقیقات کافی در مورد آنها صورت نگرفته و بسیاری از زوایا و نکات ارزشمند آن پنهان مانده است. در این پژوهش برآنیم گوشه‌ای از نکات ارزشمند ادبی این دو اثر را بررسی و مقصود شاعر آن را دریابیم. بحث نقد و نظریه کهن‌الگویی از مباحث مهم و تاثیرگذار روان‌شناسی است که وارد ادبیات ملل مختلف شده. با وجود اینکه عمر این نظریه زیاد نیست ولی تمام آثار موجود در جهان متأثر از مفاهیم کهن‌الگویی بوده و نشان می‌دهد که شعرا و نویسندگان بدون شناخت از علم کهن‌الگویی در مفهوم نوین، آن را به خوبی درک کرده و در آثار خود به کار برده‌اند. سعادت‌نامه استرآبادی و ساقی‌نامه ظهوری که در حد نسخ خطی باقی مانده و در آنها سیر شاعر از دنیا و حرکت به مسیر عرفان و تعالی به خوبی مشهود است؛ سرشار از مفاهیم کهن‌الگویی بوده و در حرکت شاعر به سمت تعالی روح نمونه‌های مفیدی از مفهوم کهن‌الگوی اشخاص دیده می‌شود که بدیهی است توجه و بررسی آنها می‌تواند هم مطالعات مربوط به مفاهیم کهن‌الگویی را کامل‌تر نماید و هم می‌توان در شناخت شاعر و اندیشه و جهان پیرامون او به خواننده کمک نماید.

پیشینه تحقیق

به موضوع کهن‌الگو و صورمثالی در آثار کلاسیک و معاصر توجه فراوان شده اما به طور مشخص در مورد انکاره‌های اشخاص کهن‌الگویی در آثار ادبی و به‌طور ویژه در مورد ساقی‌نامه ترشیزی و سعادت‌نامه استرآبادی هیچ پژوهشی صورت نگرفته است. اما در مورد دو اثر مورد بحث بررسی‌های کهن‌الگویی در بخش‌های متفاوت، توسط نگارنده انجام شده که در ذیل به آنها اشاره می‌نمائیم: نوروزعلی زینب و همکاران (۱۴۰۱)، «تطبیق کهن‌الگوهای صورمثالی در سعادت‌نامه استرآبادی و ساقی‌نامه ترشیزی» فصل‌نامه علمی پژوهشی دهخدا، نویسندگان در این مقاله به بررسی و تطبیق آنیما، آئیموس، خود، سایه و نقاب در دو اثر فوق پرداخته‌اند. نوروزعلی زینب و همکاران (۱۴۰۰)، «مقایسه

دو منظومهٔ سعادت‌نامهٔ استرآبادی و ساقی‌نامهٔ ظهوری از منظر معناشناسی اعداد»، فصل‌نامهٔ علمی پژوهشی مطالعات ادبیات تطبیقی» در این مقاله اعداد نمادین و بسامد کاربردی آنها در این دو اثر مورد تطبیق قرار گرفته؛ نوروزعلی زینب و همکاران. (۱۴۰۰). «نمادشناسی حیوانات در سعادت‌نامهٔ نظام‌الدین استرآبادی و ساقی‌نامهٔ ظهوری ترشیزی»، فصل‌نامهٔ علمی تخصصی شفای دل، دورهٔ ۷. در این مقاله نمادهای حیوانی و اساطیری در دو اثر مورد بحث، بررسی و تطبیق داده شده است. با توجه به فراوانی انگاره‌های کهن‌الگویی در ساقی‌نامه و سعادت‌نامه، نقد و بررسی مولفه اشخاص هم می‌تواند در جهت تکمیل و معرفی بهتر این آثار نقش ارزنده‌ای داشته باشد.

روش این پژوهش بر مبنای هدف: توصیفی - تحلیلی (بیان مهم‌ترین محورها و توصیف و تحلیل یافته‌ها در منظومه‌های ترشیزی و استرآبادی)؛ بر مبنای پیشینهٔ پژوهش: توسعه‌ای ترویجی (این تحقیق در ادامهٔ پژوهش‌های نقد کهن‌الگویی یونگ صورت گرفته است) و بر مبنای روش گردآوری داده‌ها: اسنادی یا کتاب‌خانه‌ای (مراجعه به منابع و مآخذ نوشتاری اعم از کتاب، مقاله و پایان‌نامه) بوده است.

مولفهٔ اشخاص کهن‌الگویی در ساقی‌نامه و سعادت‌نامه

قهرمان

انسانی که صرف نظر از تولد معمولاً غیر طبیعی و راز آمیزش، زندگی روزمره و دنیای عادی خود را رها کرده و سفری سخت را برای خود رقم می‌زند و پس از بازگشت از سفر، برای جامعهٔ خود دست آوردی به همراه می‌آورد. قهرمان در ادبیات و اساطیر اغلب به سه صورت کاوش‌گر، نوآموز و فدایی ظاهر می‌شود.

قهرمان در ساقی‌نامه

به رستم چه کرد این جفا پیشه زال تو خود ناتوانی بین چیست حال

(ترشیزی، ۱۳۹۴: ۶۱)

رستم قهرمان کاوش‌گری که سفر خطرناک خود را در جنگ‌ها برای کمک به مردم آغاز کرده است.

عیان است بیداد و عدل جهان نه حجاج مانند نه نوشیروان

(همان: ۶۱)

کهن‌الگوی اشخاص در ساقی‌نامه طهوری و سعادت‌نامه استرآبادی... ۱۳۷\|\|

انوشیروان قهرمان نوآموزی که سلسله جنگ‌های سخت را برای نجات کشور تحمل کرد.

بشو دست از صلح این پر نبرد که خون سیاوش در طشت کرد

(همان: ۶۱)

سیاوش قهرمان نوآموزی که سلسله وظایف سخت و شکنجه‌آور را تحمل می‌کند تا از مرحله کودکی و خامی گذر و برای مردم خود کارساز باشد. در این بیت که در مذمت روزگار سروده شده، به سیاوش و نحوه کشته شدنش برای نشان دادن بی‌وفایی دنیا اشاره شده است.

چهی کنده دستان مکر و فنش که هم گیو آنجاست هم بیژنش

(همان: ۶۱)

در این بیت که در مذمت روزگار و چاه مکرش سروده شده، کهن‌الگوی شخصیت، قهرمانی نوآموزیست که سلسله وظایف سخت را متحمل شده است.

برون از فضای مکان سیر او مسیحاست ناقوسی دیر او

(همان: ۵۴)

قهرمان فدایی، به خوبی در شخصیت مسیح دیده می‌شود، این نوع قهرمان باید با ایثارگری، فدای قوم و مملکت خود شود تا کشور و قوم او از رنج، خشکسالی، ستم یا ... رها شوند و مسیح بهترین مثال برای نشان دادن این کهن‌الگو است.

هوایش ز انفاس خضر و مسیح ز آبش کنایت به کوثر صریح

(همان: ۵۲)

کهن‌الگوی قهرمان فدایی، در شخصیت حضرت مسیح متبلور شده، فردی که نفس‌های پاکش ارجح بر آب کوثر است.

در اقلیم حشمت سکندر حشم به میدان جرات تهمتن جگر

(همان: ۹۳)

رستم قهرمانی کاوش‌گر است.

ز رستم به نام آوری بر سر آبی به پامردی‌ای ورز و با خود برآی

(همان: ۲۲۱)

رستم شخصیت قهرمان کاوش‌گر است که ترشیزی در این شعر از آن بهره برده است.

۱۳۸ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هفدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۱ شماره پنجاه و دوم

به توفیر یک دانگ از پیر زال منه بهر فردا کنوز وبال
(همان: ۲۵۷)

زال شخصیت قهرمان نوآموز است که از زمان کودکی زندگی اش با اسطوره گره خورده است.
به میدان همان رستم و گیو و طوس ز جولان فکر سلحشور طوس
(همان: ۲۶۶)

رستم، گیو و طوس هر سه از شخصیت‌های قهرمان در چارچوب کهن‌الگویی هستند که شاعر
قهرمانی وزارت ابن عبّاد را به پهلوانی این قهرمانان توصیف کرده است.

قهرمان در سعادت‌نامه

شه کشورگشا سلطان عادل که جوزا کرده تیغش را حمایل
(استرآبادی، ۱۳۹۱: ۶۵۷)

شاه اسماعیل ابن حیدر، قهرمانی ست که در زیرشاخه فدایی قرار می‌گیرد. این پادشاه (با توصیف
شاعر)، با ایثارگری در جنگ‌ها جایگاه قهرمان را دارد. مقایسه شاه با پادشاهان محبوب ایران، یکی از
نشانه‌های قهرمان‌سازی است که در این ابیات به آن اشاره شده است.

...چو عبدالله زاد از مادر آن روز به لوح کینه شد آن خون بدآموز
به خیل انجم افتاد اضطرابی کزین مشرق برآید آفتابی...
(همان: ۶۷۳)

تولد قهرمان گونه پیغمبر و اینکه به صورت باشکوه با جوهره‌ای پاک وارد جهان هستی شده است
در کهن‌الگوی شخصیت قهرمان، به نظم در آمده است.

پیر

«پیر دانا فرمانمود پاره‌ای صفات اخلاقی؛ نظیر ثبت خیر و آمادگی برای یاری و یاور است.»
(گرین، ۱۳۸۵: ۷۳). «پیر دانا راه‌های رسیدن به مقصود را می‌داند و به قهرمان نشان می‌دهد.» (یونگ،
۱۳۸۹: ۱۱۴).

کهن‌الگوی اشخاص در ساقی‌نامه طهوری و سعادت‌نامه استرآبادی... ۱۳۹۱

پیر در ساقی‌نامه

از آن قرمزی آب خواهم به دست که زردشت از آن گشت آتش پرست

(ترشیزی، ۱۳۹۴: ۹۱)

زردشت که همواره پیشوا و اصلاح‌گر بوده به‌دلیل یکتاپرستی، مردم را از دوگانگی رهانید. در اینجا نیز وقتی نیاز به بصیرت و پند است کهن‌الگوی پیر در شخصیت زردشت متبلور می‌شود.

پی‌زیب ایوان به سحر قلم چها کرده نقاش مانی رقم

(همان، ۱۳۹۴: ۹۱)

به‌دلیل اینکه مانی همواره مردم را به آیین خود سوق می‌داد در جایگاه کهن‌الگوی پیر قرار می‌گیرد.

یکی خارکش پیر غیرت جوان که بود از سخن خاطرش گلستان...

(همان: ۱۹۰-۱۹۱)

پیر خارکش در این حکایت، انگاره پیر است. زیرا در جریان دیدار با مرد، بصیرت داشته و خردمندان به او پند می‌دهد.

ز ادنی و اعلی‌چو راند سخن به قارون و عیسی رساند سخن

(همان: ۱۹۷)

عیسی^(ع) در این بیت انگاره شخصیت پیر است. او در جایگاه سخنوری و اندرزگویی جای گرفته و رسالت پیر خردمند را نشان می‌دهد.

زلخت جگر ریزش ابر او صد ایوب، حیران یک صبر او

(همان: ۲۳۹)

کیمیای صبر در دستان حضرت ایوب او را در قالب کهن‌الگوی پیر قرار می‌دهد. او برای درک حقیقت، خردمندان بر رنج بیماری صبر می‌کند و در جایگاه این کهن‌الگو قرار می‌گیرد.

پیر در سعادت‌نامه

نبی‌المرسلین گفت ای صحابه فکندن به ز دست این پای تابه...

۱۴۰ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هفدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۱ شماره پنجاه و دوم

مهمی جانب صحرا نداریم به شهر خویش هر یک شهریاریم..
(همان: ۹۷۱)

کهن‌الگوی پیر در شخصیت پیامبر^(ص) متبلور شده است. وضعیتی رخ داده و بصیرت و پند در زمان بیرون رفتن از مدینه ضروری می‌نماید. در این ابیات پیامبر^(ص) برای حفظ خانواده‌ها و آرامش دلاوران جنگی، نقش پیر را ایفا و باعث آرامش یاران می‌شود.

نبی گفت ای علی هنگام کار است که پای جرات یاران فکار است
به غیر از تو که را یارا که تازد ز تحقیق مهمم سرفرازد
(همان: ۱۰۰۴)

پیامبر^(ص) در زمان بیرون کردن کفار از مدینه، نصایحی برای حضرت علی^(ع) بیان می‌نمایند که موقعیت دشمن را به خوبی نشان می‌دهد. نقش پیر در شخصیت پیامبر مشهود است.

پدرسالار، تولیدکننده

«کهن‌الگوی پدرسالار استعداد خلق کردن یا آغاز کردن را با قابلیت سرپرستی دیگران ترکیب می‌کند، چه در رابطه با خانواده بیولوژیکی باشد چه گروهی از افراد خلاق.» (میس، ۱۳۹۵: ۷۱)

پدرسالار، تولیدکننده در ساقی‌نامه

ز ادنی و اعلی چو راند سخن به قارون و عیسی رساند سخن
(ترشیزی، ۱۳۹۴: ۱۹۷)

محمد^(ص) در این بیت، کهن‌الگوی شخصیت پدر را دارد که رسولان دیگر در برابرش جزوی هستند در کل لایتناهی.

فقیر است و دریای و کان را گهر یتیم است و پیر و جوان را پدر
(همان: ۲۴۰)

در این بیت، کهن‌الگوی شخصیت پدر، حضرت محمد^(ص) است. ایشان در این کهن‌الگو قابلیت سرپرستی دیگران را داشته، در جایگاه پدر مطرح می‌شوند.

بود ختم مثل نبوت بر او به مهر نبوت نبوت بر او

کهن‌الگوی اشخاص در ساقی‌نامه طهوری و سعادت‌نامه استرآبادی... ||| ۱۴۱

پذیرفت سامان مهام امم نهادند چون پشت بر پشت هم
(همان: ۲۴۰)

این شعر در نعت پیامبر و نشان‌دهنده کهن‌الگوی پدر است. این شعر به نبوت پیامبر و پذیرفتن سامان‌دهی امور خطیر امت که نشانی از این کهن‌الگو است اشاره دارد.

علیّ ولی ابن عم نبی که جبریل‌شان می‌نمود اجنبی
اگر آیه ائمه خوانده‌ای علی را ولی خدا خوانده‌ای
(همان: ۲۴۳)

قابلیت سرپرستی دیگران و هدایت‌گری همراه با حمایت و اقتدار همواره در شخصیت حضرت علی^(ع) ایشان را در جایگاه کهن‌الگوی پدر قرار می‌دهد. این ابیات اشاره به ولی خدا و مَهر سرپرستی ایشان است.

به منزل به این سعی، مشکل رسی در او دست زن تا به منزل رسی
به هر مشکلی یا علی گفته‌اند خفی را جلی یا علی گفته‌اند...
(همان: ۲۴۷)

در این بیت که نیایش شاعر با حضرت علی^(ع) است صفت حمایت‌گری ایشان به‌خوبی مشهود است. صفت حمایت‌گری و کمک‌رسانی از کهن‌الگوهای پدر است.

پدرسالار، تولیدکننده در سعادت‌نامه

... مبادا چون دهد بخت تو یاری روی با جای خود ما را گذاری
محمد گفت حاشا کین شود حال یکی‌ام با شما با جان و با مال
(همان: ۸۴۱)

پیامبر^(ص) در جایگاه شخصیت کهن‌الگوی پدرسالار قرار گرفته زیرا توانایی سرپرستی دیگران را دارند. ایشان با توجه به نگرانی اصحاب تازه مسلمان شده‌اش، مانند یک پدر اطمینان می‌دهد که برای مراقبت از آنها با تمام جان و مال خود ایستادگی خواهد کرد.

از اینجا چون سوی یثرب شتابم به هر حال از شما امداد یابم
هر آن چیزی که نپسندید بر خویش ز من هم دور دارید از کم و بیش
(همان: ۸۴۱)

۱۴۲ // دوفصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هفدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۱ شماره پنجاه و دوم

کهن‌الگوی پدر سالار، از کسانی که تحت حمایتش هستند مراقبت و آنها را هدایت می‌کند. پیامبر در برابر نگرانی اصحابش درست در زمان رفتن به یترب، با کهن‌الگوی شخصیت پدرسالار مسئولیت مراقبت از یارانش را به عهده می‌گیرد.

محمد بر فلک افراخت رایت کشید اموال در ظل حمایت

(همان: ۹۲۱)

در این بیت، محمد(ص) در جایگاه کهن‌الگوی شخصیت پدر سالار قرار دارد.

راهنما

راهنما نقش زن معلم را در سطحی معنوی ایفا می‌کند، به نحوی که نه تنها آراء و آیین‌های مذاهب رسمی را تعلیم می‌دهد، بلکه اصل اساسی دیدن الوهیت در تمام وجوه زندگی را نیز به شاگردان می‌آموزد.

راهنما در ساقی‌نامه

نباشد اگر راهبر خضر می نگردد بیابان اندوه طی

(همان: ۶۰)

در این ابیات کهن‌الگوی راهنما در شخصیت حضرت خضر^(ع) دیده می‌شود. راهنما ایفاگر رشد معنوی است که در خطاب به زاهد و اشاره به راهنمایی خضر برای دریافت ساغر معنوی سروده شده است.

نگویم که می، مایه زندگی از او جرعه جو خضر پابندی

(همان: ۵۷)

شخصیت حضرت خضر^(س)، همواره راهنماست همان‌گونه که می، مایه زندگی ست و راه را نشان می‌دهد.

بنازم به آن قصر گردون جناب که بر درگهش خضر پاشیده آب

(همان: ۵۱)

کهن‌الگوی اشخاص در ساقی‌نامه طهوری و سعادت‌نامه استرآبادی... ||| ۱۴۳

ابیات فوق، اشاره به پاشیده شدن آب توسط حضرت خضر دارد که در فرهنگ فولکلور نشانی از گشایش است. در این بیت، شاعر از کهن‌الگوی شخصیتِ راهنما در صفت میخانه بهره برده است.

هوایش ز انفاس خضر و مسیح ز آبش کنایت به کوثر صریح

(همان: ۵۲)

نقش کهن‌الگوی راهنما در شخصیت حضرت خضر^(ع)، دیده می‌شود. خضر در دیوان ترشیزی همواره نقش راهنما را ایفا می‌کند.

شود خضر گم در سواد سُراغ مگر شعله عشق آرد چراغ

(همان: ۷۹)

کهن‌الگوی راهنما در حضرت خضر همواره بوده و هست. در این بیت، شاعر اشاره به قدرت عشق دارد، اگر عشق نباشد، حتی خضر که راهنمای راه حق هست نیز گم می‌شود.

زند جوش صد چشمه در هر قدم سرشک است خضر بیابان ما

(همان: ۹۱)

در این بیت نیز راهنما را در شخصیت حضرت خضر بوده و شاعر در هر قدم از او صد چشمه آگاهی می‌گیرد.

ز فقر آنچه‌ان است این اجتناب که لب تشنه نستاند از خضر آب

(همان: ۲۲۰)

نقش کهن‌الگوی راهنما در شخصیت حضرت خضر^(س) یکی از مهم‌ترین کهن‌الگوهای راهنماست که شاعر از آن استفاده کرده است.

فتد مغز در استخوانش به جوش کند کوثری از کف خضر نوش

(همان: ۲۲۰)

کهن‌الگوی شخصیت راهنما در حضرت خضر مانند آب کوثر، زندگی بخش است.

راهنما در سعادت‌نامه

ز دعوت ساختشان مایل به ایمان همه گشتند در ساعت مسلمان

چنین گشتند مامور آن جماعت پس از دانستن ارکان طاعت

(همان: ۸۰۷)

کهن‌الگوی راهنما در شخصیت پیامبر^(ص) هنگام دعوت به اسلام بیان شده است. نقش راهنما در این ابیات ایفاگر رشد معنوی است که در تمام وجوه زندگی می‌آموزد و حتی بر نیروهای ماورای طبیعی نیز تاثیر می‌گذارد.

که از نزد خداوندی رسولم بود مقبول او ردّ و قبولم
نبی مرسلم بر جن و بر انس بود اسلام در بازار ما جنس
(همان: ۸۰۹)

کهن‌الگوی شخصیت راهنما نه تنها آراء و آیین‌های مذاهب رسمی را تعلیم می‌دهد؛ بلکه اصل اساسی ایمان را بسط می‌دهد. در این ابیات شخصیت پیامبر^(ص) به عنوان شخصیت راهنما مطرح شده است.

دلا خود را ز غیر حق جدا ساز شود کار خداجویان خدا ساز
به غیر از ترس یزدانی مخوان درس بترس از ناو ک آه خدا ترس
ز بدگویان اگر که جای بیم است چه می ترسی خدای ما کریم است
(همان: ۸۱۲)

ابیات فوق، در مورد راهنمایی پیامبر^(ص) به سوده بنت‌ربعه است که او را برای رسیدن به گنج حقیقت و دعوت به اسلام و خداوند یکتا راهنمایی می‌کند.

به لفظ عذب حکمت کار فرمود به صبر و اجتهاد اشعار فرمود
که گر در جنگ پا بر جای باشید به فیروزی جهان آرای باشید
ز بی صببری دلی از غم نرسته تحمل شد کلید کار بسته
چو کار افتد مشو در کار واله دلی پیش آر و دندان بر جگر نه
(همان: ۹۷۳)

نقش کهن‌الگوی راهنما در شخصیت پیامبر^(ص) زمانی که الوهیت را در تمام وجوه زندگی در زمان جنگ، به شاگردان می‌آموزد در شخصیت او جلوه‌گری می‌کند.

نبی فرمود با توفیق سبحان که منشی بهر گمراهان نجران
پرستیدن خدایی راست لایق که هستی یافتند از وی خلائق
جمادی را چرا سازید مسجود که آن از دیگری گردید موجود

کهن‌الگوی اشخاص در ساقی‌نامه طهوری و سعادت‌نامه استرآبادی... || ۱۴۵

خدایی را کند اندیشه اثبات پی ذاتی که موجود است بالذات

(همان: ۱۲۰۵)

این ابیات در بیان راهنمایی پیامبر در زمانی که گروه نجرانیان را برای پرستش خدای یگانه راهنمایی می‌کند، آورده شده است. پیامبر^(ص) کهن‌الگوی راهنما هستند.

جنگ‌جو

جنگ‌جو هدفمند است، حد و مرز تعیین می‌کند و به رقابت و پیکار علاقه دارد و اگر جنگجویی تکامل یافته باشد ارادهٔ یک قهرمان را از خود نشان می‌دهد. جنگ‌جو اگر به موضوعی اعتقاد داشته باشد در راه رسیدن به آن از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کند.

جنگ‌جو در ساقی‌نامه

در اقلیم حشمت سکندر حشم به میدان جرات تهمتن جگر

(ترشیزی، ۱۳۹۴: ۹۳)

کهن‌الگوی جنگ‌جو در این ابیات اسکندر است. اسکندر به دلیل جنگاوری، در ادبیات و تاریخ یکی از بزرگ‌ترین امپراتوری‌ها را داشته و شاعر از این کهن‌الگو استفاده کرده است.

به چهر تو تا کرده آینه خو منوچهر افتاده از چشم او

(همان: ۹۸)

منوچهر از پادشاهان پیشدادی و از تبار فریدون است. او به دلیل کین خواهی نیای خویش، به جنگ با ایرج، سلم و تور می‌رود و آنها را می‌کشد. به این دلیل به عنوان کهن‌الگوی جنگ‌جو به حساب می‌آید. این شعر در وصف پادشاه سروده شده است.

ز جیبش چو عکس تو سر بر کند برای سکندر دعا سر کند

(همان: ۹۸)

اسکندر در ادبیات فارسی به دلیل جنگاوری اش کهن‌الگوی جنگ‌جو به حساب می‌آید.

نچاشی نژادان رستم توان به پیکار در گرم خویی چنان

که نوک سنان‌شان ز بس تف و تاب کشد داغ بر جبهٔ آفتاب

(همان: ۱۴۸)

رستم در این بیت کهن‌الگوی جنگ‌جوست. شاعر دلاوری جنگ‌جویان را با تمثیل به رستم نشان داده و از این کهن‌الگو بهره برده است.

کنند آن عنیم افکنی خیل‌گرد که سام و نریمان نباشند گرد

(همان: ۱۴۸)

سام پیشوای زابلیان پس از نریمان و در زمان منوچهر پهلوانی نامدار است که در کنار قارن رزم‌زن، سرویمن، شاپور، نستوه، شیدوش، شیروی گردان جنگی ایران را تشکیل می‌دهند و به فرمان فریدون و به کین ایرج، منوچهر را یاور هستند. به همین دلیل، سام در جایگاه کهن‌الگوی جنگ‌جو قرار می‌گیرد و شاعر در تعریف رزم از این جنگ‌جویان ملی یاد کرده است.

جنگ‌جو در سعادت‌نامه

نبی با حمزه سی کس کرد همراه که با شمشیر برکن بیخ بدخواه

(همان: ۹۰۷)

حمزه در این بیت کهن‌الگوی شخصیت جنگ‌جو است که به همراه یارانش برای بسط قانون، آماده جنگ و پیکار با کفار می‌شوند.

نبی‌المرسلین افراشت رایت علم زد پرتو صبح سعادت

به سعدابن ابی‌وقاص فرمود که رایت‌دار لشگر بایدت بود

خلافت داد با بخت همایون به سایب ابن‌عثمان ابن‌مطعون

(همان: ۹۰۸)

کهن‌الگوی جنگ‌جو، در سعدابن ابی‌وقاص و عثمان ابن‌مطعون بروز می‌یابد که در راه پیروزی اسلام تلاش کردند.

به عبدالله بن جحش آنکه بوده به افعال پسندیده ستوده

یکی نامه نوشت و کرد تسلیم نگفتش هیچ ازو امیدواریم

امیر لشگر اسلام کردش به توفیقات عینی رام کردش

(همان: ۹۱۱)

کهن‌الگوی اشخاص در ساقی‌نامه طهوری و سعادت‌نامه استرآبادی... ||| ۱۴۷

عبدالله بن جحش که به‌عنوان امیر لشکر اسلام انتخاب می‌شود، کهن‌الگوی شخصیت جنگ‌جوست.

ابودجانه چابک بود در جنگ جهان را ساختی بر کینه جو تنگ
شدی مانند آتش در صف کین عدو را ساختی از خاکک بالین
(همان: ۹۸۱)

ابودجانه یکی از یاران دلاور حضرت محمد^(ص) به‌عنوان شخصیت کهن‌الگوی جنگ‌جو آورده شده است.

علی‌عالی‌القدر آن امامی که در راه خطا نهاده گامی
چنین از درج در شد گوهر افشان که ای دردانه دریای امکان
اجازت گر دهی باشد مرا عزم که با وی در صف هیجا کنم رزم
به دست قهر ز انسان مالمش گوش که با خاکک لحد گردد هم آغوش
(همان: ۱۰۶۰)

کهن‌الگوی جنگ‌جو در هدفمندی حضرت علی^(ع) برای مقابله با دشمن کاملاً مشهود است.

رهایب بخش

این کهن‌الگو می‌تواند متحد ارزشمندی برای آزادسازی ما از کهنه‌ها، باورها و نگرش‌های منسوخ و به‌دردنخوری که درست مثل ارتش‌های اشغال‌گر استعماری از درون خالی شده‌اند، باشد. حضرت محمد^(ص)، حضرت مسیح^(ع) و بودا به این مفهوم، رهایب بخش بودند.

رهایب بخش در ساقی‌نامه

کشم از سلیمانیت جابه‌جا سریر سکاسن به روی هوا
(همان: ۱۸۸)

سلیمان، میان پیامبران نوآور بود و می‌توان او را پیامبری به حساب آورد که روی باور و نگرش‌های منسوخ شده دست گذاشت و به شیوه‌ای دیگر جهان را برای رهایب بخشی راهنمایی کرد.

به دست سلیمان دانش عصاست برای سرگنج فضل ازدهاست
(همان: ۲۰۱)

۱۴۸ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هفدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۱ شماره پنجاه و دوم

سلیمان نبی به عنوان کهن‌الگوی رهایی‌بخش، از تمام تابوهای منسوخ شده و نوآور در جریان انرژی مورد تامل است. شاعر به عصای دانش سلیمان اشاره داشته‌است.

محمد شهنشاه خیل رسل که جزوند پیشش چه جزو و چه کل
درخشان در درج عبدالمناف به انگشت اعجاز نیر شکاف
چراغ عرب روشن از روی او چه ترک و چه تاجیک هندوی او
(همان: ۲۳۸)

این کهن‌الگو با توصیف درخشان از محمد^(ص) در این ابیات مورد توجه شاعر قرار گرفته است.

سلیمان به آن شوکت و اقتدار ز مهمانی مور او ریزه خوار
(همان: ۲۳۸)

سلیمان^(ع) همواره کهن‌الگوی رهایی‌بخشی از تابوهاست که در این بیت حضرت محمد^(ص)، با مثال ریزه‌خواری به ایشان تفضیل داده شده است.

رهایی‌بخش در سعادت‌نامه

شود پیغمبری ظاهر به بطحا به نور موسی و برگ مسیحا
نیابد ملتش تا حشر تغییر محمد باشدش نام جهانگیر
به هم گفتند این تحقیق آنست که بس فرخ رخ و روشن بیانست
(همان: ۸۱۳)

عوف ابن حارث و گروهی از یهودیان راه رهایی از باورها و نگرش‌های منسوخ را، آیین محمد^(ص) می‌دانند و آن را نوید بخش رهایی از تمام سایه‌های حاکم بر جامعه می‌داند.

شهید

کهن‌الگوی شهید در دو حوزه مشهور است. به عنوان شخصیت کلاسیک سیاسی یا مذهبی و در دنیای خودیاری‌گری روان‌شناسی معاصر «رنج بردن در راه نجات دیگران، چه این نجات شکل معنوی به خود بگیرد، چه شکل سیاسی، یکی از مقدس‌ترین اعمال است.» (میس، ۱۳۹۵: ۱۰۳).

شهید در ساقی‌نامه

به انجم به تشبیه در نجف زمین و زمان پر فروغ شرف

کهن‌الگوی اشخاص در ساقی‌نامه طهوری و سعادت‌نامه استرآبادی... ||| ۱۴۹

گل بوستان شهادت به سر به آرایش خلد شد جلوه‌گر
ز خون لاله بر منبر دین نشاند از او خطبه تا حشر رنگین بماند
(ترشیزی، ۱۳۹۴: ۲۴۴-۲۴۵)

کهن‌الگوی شخصیت شهید در این ابیات، در شهادت حضرت علی^(ع) به زیبایی ترسیم شده، رنج بردن در راه نجات دین، گل بوستان شهادت را بر سر ایشان کاشت.

شهید در سعادت‌نامه

به میدان آمدند ارباب اسلام ز آب دیده خود شربت آشام
عزیزان را به خواری کشته دیدند ز کشته دشت را پر گشته دیدند...
به هر جانب شهیدی گشته ساکن گرفته ره سوی فردوس لیکن
(همان: ۱۰۰۲)

ماجرای مردمی که از شنیدن شایعه مرگ پیامبر^(ص)، اندوهگین شده و به خیابان می‌روند و به دست دشمنان کشته می‌شوند در این ابیات دیده می‌شود. این نوع از مرگ شکل معنوی به خود می‌گیرد.

نبود از خون رخ مقتول گل‌فام که با سرعت سوی جنت زدی گام
نبی گفتا عم خود حمزه را هیچ نبینم رشته جان یابدم پیچ...
شدش دیر آمدن بشتافت حیدر رسید آگه شد از ادبار حیدر
چه دید افتاده عم خویش را خوار ز خنجر بی‌جگر گشته جگردار
حراثت صمه‌اش بر سر افتاده ز دیده چشمه جیحون گشاده...
عم خود را به خون آغشته دریافت دلش خون گشته خنجر در جگر یافت
(همان: ۱۰۰۲)

مرگ حمزه، عمومی پیامبر^(ص) که در راه استواری دین، به شهادت می‌رسد نشانی از کهن‌الگوی شهید است. فردی که در راه خدمت دچار رنج می‌شود و مقدس‌ترین اعمال یعنی، شهادت نصیبش می‌شود.

همان جا با لباس غرقه در خون به فرمان نبی شد حمزه مدفون
شهیدان را به خلعت‌های خونین به زیر خاک گشت از خاک بالین
(همان: ۱۰۰۳)

۱۱۵۰ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هفدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۱ شماره پنجاه و دوم

در این ابیات کهن‌الگوی شهید در شخصیت حمزه^(ع) و مراسم تدفینش به خوبی دیده می‌شود.

به یاران گفت عاصم وقت کار است نهال حال ما را نوبهار است
رخ از جنگ اعادی بر نیچیم شهادت خوش بود زین سر نیچیم
نباید بود از قسمت به ناله ز حق ما را شهادت شد حواله

(همان: ۱۰۱۲)

در این ابیات کهن‌الگوی شهید با هدف مقدس رسیدن به راه جاوید در شخصیت عاصم یار پیامبر^(ص) دیده می‌شود.

جوینده

این کهن‌الگو کسی است که در مسیر جست‌وجویی گام بر می‌دارد که شاید با کنجکاوی دنیوی شروع شده اما جست‌وجوی خدا یا روشن‌بینی را در جوهر خویش دارد. برخلاف عارف که تنها کانون تمرکزش خداست، جوینده در جست‌وجوی خرد و حقیقت است؛ در هر کجا که یافت شود.

جوینده در ساقی‌نامه

ره از رهبری‌های بخت بلند بر آزاده مایه داری فکند...
سخت‌پیشه از ذوق بر روی هم فرو ریخت از لب بلی و نعم
بگفتش چه منت تو را زاین عطا زیاد است از این، خواهش را بها
چو شد کیمیای سخن جلوه‌گر به یک لحظه گردید کارش چو زر
به حسن ادا چون سخن پیش برد تمنای او سیلی رد نخورد
ولیکن شنیدم که آن خارکش ز آزاده طبعی نشد بارکش
به ردّ عطایا ز روی نیاز در معذرت بر جوان کرد باز

(همان: ۱۹۱)

در ابیات فوق، کهن‌الگوی جوینده، آزادمرد مایه‌دار است. او در جایگاه جوینده سازنده راه درست را با دانای خارکش انتخاب می‌کند. یونگ معتقد است تا درخواست نکنی استاد از راه نمی‌رسد. دیدار اتفاقی پیر خارکش با آزادمرد مایه‌دار گویای این نوع نگاه است و ما در این حکایت به آن برمی‌خوریم.

کهن‌الگوی اشخاص در ساقی‌نامه نطنزی و سعادت‌نامه استرآبادی... ||| ۱۵۱

سلیمان ز مرغان به آن قدر و شان به تعلیم او یاد گیرد زبان
(همان: ۱۹۷)

سلیمان به دلیل تعلیمی که از آن یاد شده و آموختن زبان مرغان، در جایگاه کهن‌الگوی شخصیت جوینده قرار می‌گیرد.

جوینده در سعادت‌نامه

به خلوت‌نگاه خود بودم صباحی خیال‌انگیز در هر اصطلاحی
به‌صحن گلشن اندیشه در سیر به‌خود در گفت‌وگو بی‌منت غیر
شده روح‌اللهی جویای اسرار بهشت عدن را کاری است ناچار
که یعنی گوهر دریای اقبال تو را جوید قدم نه فارغ‌البال
(همان: ۶۶۳)

کهن‌الگوی جوینده خود شاعر است. کسی که مسیر جست‌وجویش با کنج‌کاوای دنیوی شروع شده و به جست‌وجوی خدا یا روشن‌بینی ختم می‌شود. روشن‌بینی که از عالم غیب فرود می‌آید و مسیر فکریش را روشن می‌کند.

نتایج مقاله

انگاره اشخاص به‌عنوان یکی از کاربردی‌ترین مفاهیم در خانواده کهن‌الگویی، در بیان داستان‌های ساقی‌نامه و سعادت‌نامه تصویری زیبا و کاربردی به‌جا گذاشته به سروده‌ها جانی شیرین بخشیده است. همچنین تبدیل و تحول روحی و تجارب روحانی و رسیدن به عرفان در شعر آنها بعد از خوانش کامل دیوان، محسوس بوده و انتهای کتاب نشانی از تولد دوباره در ذهن شاعران دیده می‌شود.

قهرمان ساقی‌نامه در شخصیت رستم، سیاوش، گیو، مسیح، زال و طوس و در سعادت‌نامه در شخصیت پیامبر^(ص) و شاه‌اسماعیل ابن‌حیدر و شخصی مذهبی و متبلور است. **پیر** در ساقی‌نامه شخصیت عیسی^(ع)، ایوب^(ع) زردشت، مانی، پیامبران الوالعزم و شخصیت‌های اسطوره‌ای و ملی و پیر خارکش و در سعادت‌نامه در شخصیت پیامبر^(ص) متبلور می‌شود. **پدرسالار** در ساقی‌نامه، شخصیت محمد^(ص) و حضرت علی^(ع) و در سعادت‌نامه، شخصیت پیامبر^(ص) است. **راه‌نما** در ساقی‌نامه با بسامد بالا در شخصیت حضرت خضر^(ع) و در سعادت‌نامه در شخصیت پیامبر^(ص) دیده می‌شود.

۱۱۱۱۵۲ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هفدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۱ شماره پنجاه و دوم

جنگ جو در ساقی نامه در شخصیت های اسکندر، فریدون، رستم و سام و در سعادت نامه در شخصیت حضرت علی^(ع)، حمزه^(ع)، سعد ابن ابی وقاص، عثمان ابن مطعون، عبدالله بن جحش و ابودجانة دیده می شود. **رهایی بخش** در ساقی نامه در حضرت محمد^(ص) و حضرت سلیمان^(ع) و در سعادت نامه در شخصیت عوف ابن حارث دیده می شود. **شهید** در ساقی نامه در شخصیت حضرت علی^(ع) و در سعادت نامه در شخصیت پیامبر^(ص)، حمزه^(ع) و عاصم دیده می شود. **جوینده** در ساقی نامه در شخصیت حضرت سلیمان و آزاد مرد مایه دار و در سعادت نامه در شخصیت خود شاعر متبلور می شود. به خوبی می توان دریافت که تمام انگاره های اشخاص کهن الگویی در ساقی نامه اشخاص ملی و میهنی و در سعادت نامه اشخاص مذهبی و دینی هستند.

کهن‌الگوی اشخاص در ساقی‌نامه ظهوری و سعادت‌نامه استرآبادی... ۱۵۳۱۱۱

کتابشناسی

- استرآبادی، ملا نظام. (۱۳۹۱). **دیوان اشعار نظام‌الدین استرآبادی**، تحقیق و تصحیح ابراهیمی، شایسته. بیک‌وردی‌لو، مرضیه. تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- همو. **دستور معما**، کتابت سده ۱۲، دانشکده الهیات، تهران، دانشگاه تهران، ش ۵۵۵/۱.
- همو. **دیوان اشعار نظام‌الدین استرآبادی**، نسخه خطی شماره ۱/۲۵۱۴ کتابخانه ملی.
- رسول‌پور سمیه؛ یوزباشی عطیه. (۱۳۹۹). «مطالعه تطبیقی قوه خیال در اسطوره گیل‌گمیش و افسانه اسکند بر طبق نظریه یونگ»، فصل‌نامه علمی پژوهشی مطالعات ادبیات تطبیقی. دوره ۱۴. شماره ۵۶.
- سخنور، جلال. (۱۳۷۹). **نقد ادبی معاصر**، تهران، رهنما.
- ظهوری ترشیزی، نورالدین محمد. (۱۳۹۴). ساقی‌نامه، تصحیح علی اصغر باباسالار و سیده پرنیان دریاباری، تهران، دانشگاه تهران.
- گرین، ویلفرد. مورگان، لی. لیبر، ارل. ویلینگهم، جان. (۱۳۸۵). **مبانی نقد ادبی**، ترجمه فرزانه طاهری، چاپ چهارم، تهران، نیلوفر.
- میرصادقی، جمال. (۱۳۸۲). **داستان‌نویس‌های نام‌آور معاصر ایران**، تهران، اشاره.
- میس کارولین. (۱۳۹۵). **گالری کهن‌الگوها**، ترجمه سیمین موحد، تهران، هیرمند.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۸۹). **انسان و سمبول‌هایش**، ترجمه محمود سلطانی، تهران، جامی.
- نوروزعلی زینب؛ خیالی خطیبی احمد؛ علی اصغر حلبی. (۱۳۹۹). **حضور عناصر چهارگانه و زبان نمادین در سعادت‌نامه استرآبادی و ساقی‌نامه ظهوری ترشیزی**، شفای دل، دوره ۴، شماره ۶.
- همو. (۱۳۹۹). **تطبیق کهن‌الگوهای صورمثالی در سعادت‌نامه استرآبادی و ساقی‌نامه ظهوری ترشیزی**، فصل‌نامه علمی پژوهشی دهخدا، دوره ۵۸.